

تجارت مواد غذایی حلال و همگرایی در جهان اسلام^۱

نصرالله انصاری^۲

چکیده

دسترسی مسلمانان به مواد غذایی حلال یک ضرورت فرهنگی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به این که امروزه تجارت بین‌المللی جزئی از امنیت غذایی به حساب می‌آید، امنیت غذایی مسلمانان در گرو تجارت بین‌المللی اسلامی مواد غذایی است. این نوع تجارت، رابطه پیشینی و پسینی با همگرایی جهان اسلام دارد. از یک‌سو، ضرورت تجارت مواد غذایی بین کشورهای اسلامی نیازمند همگرایی است و از سوی دیگر، گسترش این نوع تجارت به عنوان یک الگو، به همگرایی بیشتر مسلمانان در زمینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی دیگر منتهی می‌شود. اهمیت مواد غذایی حلال برای مسلمانان به حدی است که می‌تواند به عنوان بخشی از هویت فرهنگی آن‌ها و کانون همگرایی تلقی شود.

واژگان کلیدی: مواد غذایی، تجارت بین‌الملل، تجارت بین‌المللی، همگرایی، جهان اسلام.

۱. ارائه شده به بیستمین جشنواره بین‌المللی شیخ طوسی رحمته الله علیه؛ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۴؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۳

۲. دانشجوی دکتری رشته اقتصاد جامعه المصطفی صلوات الله علیه



طرح مسأله

در دهه‌های اخیر «برند حلال» مورد توجه کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیراسلامی که سیاست افزایش صادرات را دنبال می‌کنند، قرار گرفته است. جمعیت نزدیک به دو میلیاردی مسلمانان، بازار پرسودی را برای محصولات حلال ایجاد کرده و باعث شده است که شرکت‌های تولیدی بزرگ در سراسر جهان تولید کالاها و خدمات با برچسب حلال را برای ورود به این بازار در دستور کار خود قرار دهند و دستگاه دیپلماسی دولت‌ها نیز حمایت از آن‌ها را جزء وظایف خود تلقی کنند. تجارت حلال حوزه‌های وسیعی هم‌چون مواد غذایی، دارو، مواد بهداشتی، مواد آرایشی، گردشگری، خدمات مالی از قبیل بانکداری، بورس، صکوک، بیمه، فاینانس و...، ترانزیت، پوشاک و خدمات جانبی حلال از قبیل رسانه، ورزش و تفریحات، کسب و کار و... را در بر گرفته است.

با این‌که اهمیت کالاها و خدمات حلال برای مصرف‌کننده مسلمان آمیخته‌ای از دو عنصر مهم اعتقاد و اقتصاد است، امروزه عنصر اعتقادی در سایه عنصر اقتصادی آن قرار گرفته است. تولیدکنندگان چه مسلمان و چه غیرمسلمان بیشتر به جنبه اقتصادی این نوع محصول توجه دارند و آن را فرصتی برای فروش بیشتر و سود بالاتر می‌بینند. حتی دولت‌های اسلامی از آن به عنوان ابزاری برای بهبود وضعیت متغیرهای کلان اقتصاد در کشورهای خود استفاده می‌کنند. جنبه اعتقادی قضیه و آرمانی که پشت آن نهفته است، از دید کارگزاران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی مسلمان نیز پنهان مانده و یا مخفی انگاشته شده است.

از جنبه اعتقادی، حلال بودن کالاها و خدمات می‌تواند پیامدهای تکلیفی، وضعی و یا ترکیبی از تکلیفی و وضعی در سطوح فردی و اجتماعی، ملی و

بین‌المللی داشته باشد. به عنوان مثال، مواد غذایی حلال، فرد را از خوردن محرّمات دور نگهداشته و پای‌بند تکلیف به خوردن طیبات می‌سازد. این اثر تکلیفی فردی وقتی به کل افراد جامعه تعمیم پیدا می‌کند، ملتی را مسئول و پای‌بند به احکام، قوانین و مقررات غذایی می‌سازد. چنین ملتی وقتی با مازاد عرضه یا تقاضای مواد غذایی حلال مواجه می‌شود، به دنبال کشوری می‌گردد که تقاضاکننده یا عرضه‌کننده چنین کالایی باشد. این منجر به یک تعامل و همگرایی بین آن دسته از ملت‌هایی می‌شود که ضوابط مشخص و یکسانی را در تولید مواد غذایی رعایت می‌کنند. هم‌چنین تأثیرات روحی و روانی، تربیتی و فرهنگی که غذای حلال روی فرد می‌گذارد، قابل تعمیم به یک جامعه، ملت و بلکه ملت‌های هم‌کیش خواهد بود.

حلال بودن کالاها و خدمات عرضه‌شده به کشورهای اسلامی و مسلمانان لزوماً به معنای مسلمان بودن عرضه‌کننده نیست و تولیدکنندگان غیرمسلمان نیز می‌توانند با رعایت شرایط خاصی اقدام به ارائه کالاها و خدمات با برند حلال نمایند - چیزی که در حال حاضر جریان دارد- اما مسلمان بودن عرضه‌کننده به خصوص در مواد غذایی می‌تواند برای مصرف‌کنندگان مسلمان از اولویت برخوردار باشد. دلایل مختلفی برای این اولویت وجود دارد که در ارتباط با مواد غذایی، «امنیت غذایی» و «همگرایی اقتصادی» به عنوان دو زمینه مهم همگرایی کلان اسلامی از اساسی‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود؛ مسأله‌ای که همواره از دغدغه‌های اصلی مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای علیه‌السلام بوده و به تازگی در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی (۱۳۹۶) آن را تنها راه خلاصی از گرفتاری‌ها و مصائب جهان اسلام مطرح و چنین تعبیر فرمودند: «دنیای اسلام اگر بخواهد به عزت برسد، بایستی وحدت را و اتحاد و اتفاق را از دست ندهد.»





این مقاله به دنبال آن است که تجارت مواد غذایی حلال بین کشورهای اسلامی را به عنوان یک اولویت مطرح و دلایل اغلب اقتصادی و گاه غیراقتصادی آن را از چشم‌انداز همگرایی اسلامی بررسی نماید. در این بررسی تلاش می‌شود به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که آیا ضرورت دارد مسلمانان مواد غذایی مورد نیاز خود را از کشورهای اسلامی تأمین کنند و چرا؟ یافتن پاسخ دقیق برای پرسش ترکیبی فوق، مستلزم توجه به اهمیت مواد غذایی از نظر اعتقادی و اقتصادی (امنیت غذایی) و هم‌چنین کارکرد آن از جهت ایجاد همگرایی بین کشورهای اسلامی و در مجموع تمام مسلمانان جهان است. پیش از ورود به مباحث اصلی، ارائه‌شناسه‌ای از مفاهیم به کار رفته در عنوان تحقیق لازم است تا زبان مشترکی بین متن و خوانندگان آن ایجاد شود.

شناسه مفاهیم

«تجارت»، «مواد غذایی حلال»، «همگرایی» و «جهان اسلام» مفاهیمی هستند که این تحقیق از آن‌ها بهره‌جسته رابطه بین تجارت مواد غذایی حلال از یک‌سو و همگرایی در جهان اسلام از سوی دیگر را در دنیای واقعی بررسی می‌کند. برای این‌که درک درستی از این رابطه به دست آید، موضع‌گیری درباره مفاهیم یادشده ضروری است.

یک) تجارت (Trade): به معنای داد و ستد، خرید و فروش، سوداگری و بازرگانی است. (دهخدا، معین و عمید، واژه تجارت) این واژه در قرآن به کار رفته و راغب آن را «استفاده از سرمایه به منظور به دست آوردن سود» معنا نموده است. در اصلاح فقهی، تجارت مطلق معاوضه است (نجفی، ۱۳۶۶ق، ۴، ۲۲) و هر نوع کسبی را که همراه با رضایت و به منظور سود بردن باشد شامل می‌شود. (نائینی، ۱۳۵۵ق، ۱، ۶۳) و قزوینی، ۱۳۹۷ق، ۵، ۲) در علم اقتصاد نیز خرید و فروش‌هایی که به

منظور کسب سود انجام شود، تجارت گفته می‌شود. اقتصاددانان تجارت را به داخلی و خارجی تقسیم نموده و دومی را به عنوان تجارت بین‌الملل یاد می‌کنند. بعد از تفاوت در درون‌مرزی و برون‌مرزی، مهم‌ترین تفاوت‌های تجارت داخلی و خارجی در نوع مقررات و نوع پول مورد استفاده است. (اخوی، ۱۳۸۸، ۴۷۸)

منظور از تجارت در این تحقیق، تجارت خارجی است.

دو) مواد غذایی حلال: منظور از مواد غذایی تمام خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و مواد افزودنی آن‌هاست که کارکرد تغذیه‌ای دارند نه دارویی و بهداشتی. اگر از موارد فوق، مواد و ترکیباتی که مصرف آن‌ها در دین اسلام حرام دانسته شده است حذف شود،^۱ صفت حلال می‌گیرد و به عنوان مواد غذایی حلال یاد می‌شود. حلال بودن مواد غذایی تداعی‌کننده دو معناست: یکی این‌که خود ماده غذایی ممنوعیت شرعی برای مصرف نداشته باشد مانند شراب و خاک. دیگر این‌که از راه غیرمشروع به دست نیامده باشد مانند قمار. منظور از حلال در اینجا معنای اول آن است؛ چیزی که جزئیات آن را می‌توان در استانداردهای عمومی سازمان همکاری اسلامی جستجو کرد. در این استاندارد، غذای حلال به غذای پاک (در مقابل نجس) و سالمی تعریف شده است که اجازه مصرف آن مطابق با احکام شریعت اسلامی داده شده است و باید عاری از هر گونه عناصر حرام و نجس باشد. (اتفاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه حلال، مرداد ۱۳۸۷، ۱۰)

سه) همگرایی: به معنای تقارب و کیفیت نزدیک شدن اجزای یک کل

۱. یک تعدد از محرّمات در قرآن بیان شده است مانند خوک، مردار، شراب، خون و ... و سایر محرّمات را فقها به صورت مصداقی یا معیاری معین نموده‌اند. برای بررسی بیشتر مراجعه شود به: *اللمعة الدمشقية في فقه الامامية*، کتاب الاطعمة والاشربة و کتاب الصيد والذباحة؛ *تحریر الوسيلة*، کتاب الاطعمة والاشربة و کتاب الصيد والذباحة. از منابع اهل سنت مراجعه شود به: *احکام الاطعمة في الفقه الاسلامي دراسة مقارنة*



به یکدیگر است. (معین، واژه همگرایی) دو مفهوم از همگرایی وجود دارد: یکی همگرایی که در علم اقتصاد مطرح است. این مفهوم از همگرایی (Convergence) نظریه‌ای است که بر اساس آن عوامل اقتصادی به ویژه بهره‌وری در گروهی از کشورها نزدیک به هم حرکت می‌کنند. (Dictionary of Economics, 2006) در ادبیات مربوط به رشد اقتصادی، کشورها به سمت مسیر رشد متعادل خود همگرایی دارند. به این معنا که اگر کشورهای فقیر روی مسیر رشد متعادل قرار بگیرند، نرخ بازده سرمایه در کشورهای فقیر بیش از کشورهای ثروت‌مند باشد و کشورهای فقیر به تکنولوژی برتر دسترسی داشته باشند، در بلندمدت به نرخ رشد نزدیک به کشورهای ثروت‌مند می‌رسند. (Romer, 2006, 31-32) دیگری همگرایی که در علوم سیاسی بحث می‌شود. این همگرایی (Integration) فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار کامل خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند. (قوام، ۱۳۷۰، ۲۲۳) برای همگرایی به مفهوم دوم، تعریف‌های مختلفی وجود دارد که ساده و در عین حال جامع‌ترین آن‌ها تعریف پوچالا است: «همگرایی نوعی نظام بین‌المللی است که در آن، بازیگران هماهنگ ساختن منافع خود، مصالحه در مورد اختلافات خویش و تحصیل عواید متقابل از طریق تعاملات خود را همواره میسر می‌یابند.» (Puchala, 1972, 277) وجه مشترک این تعریف‌ها حرکت هماهنگ اعضای یک مجموعه به سمت دستیابی به یک هدف مشخص است که در اینجا گسترش همکاری تجاری بین ممالک اسلامی در مرحله اول، همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در مراحل بعدی و سرانجام وحدت و انسجام اسلامی در همه عرصه‌ها می‌باشد. بنابراین، منظور از همگرایی در این مقاله، همگرایی به مفهوم دوم است.

چهار) جهان اسلام: با این که به نظر می‌رسد مفهوم جهان اسلام بسیار روشن باشد، اما پیچیده‌تر از دیگر مفاهیم است. علت این پیچیدگی یافتن معیار یا معیارهایی است که از ثبات و دوام بیشتری برخوردار باشد. (رجا، ۱۳۹۰، ۴۳-۳۱) به همین دلیل، در این تحقیق به یک معرفی ساده اکتفا می‌شود و آن این که منظور از جهان اسلام تمام کشورهای است که عضویت سازمان همکاری اسلامی را دارند.

اکنون که موضع‌گیری درباره مفاهیم انجام شد، به پرسش اصلی تحقیق باز می‌گردیم و آن را یکبار دیگر با بیان جدید در معرض دید قرار می‌دهیم و آن این که آیا ضرورت دارد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تجارت خارجی (صادرات و واردات) مواد غذایی عاری از هرگونه عناصر حرام و نجس را بین‌الاسلامی بسازند و دلایل این ضرورت (در صورت وجود) چیست و چه کارکردی می‌تواند از نظر حرکت هماهنگ کشورهای اسلامی (همگرایی) به سمت یک هدف مشخص داشته باشد؟

به این نکته هم باید توجه داشت که برای ضرورت چنین تجارتی اولاً نیاز به دلیل نیست، بلکه بهانه کفایت می‌کند و چه بهانه‌ای بالاتر از این که مسلمانان باید به غذای پاک دسترسی داشته باشند و این دسترسی در مکان‌هایی که تولیدکنندگان مسلمانند و فرایند تولید مواد غذایی توسط مسلمان انجام می‌شود مطمئن‌تر است تا مکان‌هایی که این شرایط در آن‌ها فراهم نیست. ثانیاً دلایل محکم و کافی برای این کار وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها امنیت غذایی است که تجارت به آن کمک می‌کند. قبل از پرداختن به پاسخ پرسش اصلی و بررسی دلایل آن، مروری بر پیشینه بحث خواهد شد تا مرزهای آن مشخص و جنبه‌های پنهان مانده آشکار شود.



پیشینه تحقیق

در خصوص رابطه تجارت مواد غذایی حلال با همگرایی در جهان اسلام پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اما مباحث مشابهی در ارتباط با ضرورت همگرایی کشورهای اسلامی، برند حلال و آثار فرهنگی و اقتصادی آن در کشورهای اسلامی و گردشگری و همگرایی در جهان اسلام پژوهش‌هایی صورت گرفته که نتایج آن‌ها در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله، کنفرانس و گزارش منتشر شده است. برخی از این آثار که شباهت‌هایی با موضوع این تحقیق و یا با قسمت‌هایی از آن دارد مرور می‌شود:

۱. مجله العالم در حاشیه سمینار تغذیه، تحلیلی دارد که شریف مطوف (۱۳۶۴) آن را تحت عنوان «آیا راه‌حلی برای مشکل مواد غذایی در کشورهای عربی پیدا شده است؟» ترجمه و در گزیده مسائل اقتصادی-اجتماعی به چاپ رسانده است. در این تحلیل به اهمیت امنیت غذایی کشورهای عربی توجه شده و برای آن پیشنهادهایی از جمله کاهش وابستگی غذایی به کشورهای هم‌چون آمریکا مطرح شده است.

۲. مهرآفرین (۱۳۷۵) تحلیلی دارد با عنوان «تولید فراورده‌های غذایی حلال، صنعتی رو به گسترش و تجارت رو به توسعه» که در آن بر اهمیت مواد غذایی حلال برای مسلمانان و افزایش تقاضا برای آن حتی از سوی غیرمسلمانان و هم‌چنین بر اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تجارت آن تأکید شده است.

۳. علی شمعی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «نقش جهانگردی در فرایند همگرایی و توسعه فرهنگی کشورهای اسلامی» نشان داده است که صنعت جهانگردی در همگرایی جهان اسلام نقش مثبت دارد.

۴. سمیه حیدرآبادی‌پور (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «اثرات همگرایی

منطقه‌ای کشورهای اسلامی بر تجارت محصولات کشاورزی با تاکید بر سه منطقه (TPS/OIC, A-ECO, D) به دست آورده است که عضویت در همگرایی‌های اقتصادی بی‌تردید بخش‌های اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار خواهد داد که یکی از این بخش‌ها بخش کشاورزی است. در این تحقیق وی پیشنهاد می‌کند ایران بهتر است با کشورهای تشکیلی همگرایی دهد که از تولید ناخالص ملی بیشتر و فاصله جغرافیایی کمتری با آنها برخوردار باشد.

۵. اعظم رضایی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فرصت‌های تجاری ایران و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (مطالعه موردی: محصولات منتخب کشاورزی)» نشان داده است که همگرایی اقتصادی بین ایران و اعضای OIC، حجم تجارت دوجانبه کشاورزی را افزایش می‌دهد. این نکته می‌تواند دلیلی بر افزایش روابط ایران و کشورهای اسلامی باشد.

۶. امیر هرتمنی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان «پتانسیل تجاری کالاهای بخش کشاورزی با هدف تشکیل بازار مشترک اسلامی: زیربخش‌های زراعت و باغداری» به این نتیجه رسیده است که تقویت یکپارچگی در زیر بلوک‌های موجود (اکو، شورای همکاری خلیج فارس) و امکان ایجاد زیر بلوک‌های دیگر بر اساس همجواری که برخوردار از پتانسیل تجاری است، توان مبادله‌ای درون بلوکی را در اعضای سازمان کنفرانس اسلامی افزایش می‌دهد و زمینه ایجاد یک بازار مشترک اسلامی را فراهم می‌آورد.

۷. حمیدرضا وارثی و رسول حیدری سوشجانی (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش گردشگری اسلامی در همگرایی کشورهای اسلامی» به این نتیجه رسیده‌اند که گردشگری اسلامی می‌تواند اقتصاد وارداتی و مصرفی کشورهای اسلامی را تغییر و اختلافات مذهبی بین مسلمانان را کاهش دهد و اتحاد جهان اسلام را تقویت نماید.



۸. حمید جلالیان، سمیه برادران و سید هادی کهنه‌پوشی (2010) در مقاله‌ای با عنوان «نقش گردشگری در فرایند همگرایی فرهنگی کشورهای اسلامی» نشان داده‌اند که گردشگری می‌تواند پنجره‌ای برای صلح و دوستی ساکنان زمین محسوب شود و برای کشورهای اسلامی نقش ویژه‌ای در همگرایی فرهنگی آن‌ها داشته باشد.

۹. بیتا نوروزی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صنعت حلال کشور با محوریت صنایع غذایی» به این جمع‌بندی رسیده است که صنعت غذایی حلال ایران با تکیه بر فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی، ضمن برخورداری از نظام تولیدی ارزش‌آفرین و با هویت اسلامی می‌تواند ایران را به یکی از کشورهای برتر تولیدکننده مواد غذایی با برند حلال تبدیل نماید.

۱۰. هادی قائمی و حسین جدیری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کاربرد و تجارت نشان تجاری حلال در محصولات غذایی کشور های اسلامی و غیراسلامی» به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد همگرایی بین کشورهای مسلمان از اهداف ایجاد نشان حلال برای مواد غذایی است.

۱۱. سمانه صحرایی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عوامل موثر در توسعه صادرات فرآورده‌های غذایی حلال» نشان داده که تجارت خارجی فرآورده‌های غذایی حلال رو به افزایش است و این امر برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرآورده‌های غذایی حلال به منظور شرکت در بازار جهانی حلال و به دست آوردن سهمی از آن بسیار ارزشمند تلقی می‌شود.

۱۲. امید قاسمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «امکان‌سنجی کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از واردات کالاهای اساسی از طریق تعامل اقتصادی با کشورهای اسلامی» نشان داده است که کشورهای اسلامی دارای ظرفیت مناسبی برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز هستند و ایران باید تلاش‌ها و اقدامات

لازم جهت گسترش مبادلات با این کشورها را انجام دهد و موانع موجود را هر چه سریع‌تر و در حد امکان به حداقل برساند.

تحقیقات نام‌برده و موارد مشابه آن بر اهمیت و ضرورت تجارت بین کشورهای اسلامی و گسترش آن و همچنین نقش این تجارت در ایجاد همگرایی اقتصادی و فرهنگی بین مسلمان‌ها پرداخته‌اند، اما نقش تجارت مواد غذایی حلال را آن‌گونه که باید برجسته نساخته‌اند و بعد فرهنگی آن را مسکوت گذاشته‌اند. آن‌چه در این تحقیق افزوده شده و نوآوری به حساب می‌آید، دو چیز است: یکی برجسته ساختن نقش انگیزشی مواد غذایی حلال در توسعه تجارت بین کشورهای اسلامی و دیگری همگرایی پیشینی و پسینی ناشی از تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی. علاوه بر این دو مورد، رویکرد این تحقیق کاملاً متفاوت با رویکرد تحقیقات پیشین است و به نحوی از زاویه جدید به موضوع نگاه شده است. حال، پس از مرور پیشینه تحقیق و مشخص شدن مرزهای آن، ابتدا اهمیت تجارت مواد غذایی حلال از دو منظر فرهنگی و اقتصادی بررسی می‌شود.

اهمیت تجارت مواد غذایی حلال

برای مسلمانان چیزهایی در درجه اول اهمیت قرار دارند که در قرآن مهم جلوه داده شده باشند. یکی از مواردی که اهمیت آن از قرآن استفاده می‌شود، غذا و طعام است. نزدیک به ۲۵۰ آیه در قرآن راجع به اهمیت غذا و تغذیه است (خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۲۳ مهر ۱۳۹۶) و نام یکی از سوره‌های قرآن مائده (سفره و غذا) گذاشته شده است (سوره پنجم از سوره‌های قرآن). اهمیت مواد غذایی به حدی است که خداوند آن را در ردیف امینت قرار داده و بر اهل مکه منت می‌نهد: «همان خدایی که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن



ساخت.» (قریش/۱۰۶، ۴) قرآن انسان را به غذایش توجه داده می‌فرماید: «انسان باید به غذای خویش بنگرد.» (عبس/۸۰، ۲۴) این نگرش هم می‌تواند از جهت نقش حیات‌بخش آن باشد و هم از جهت آفریننده آن. (طباطبائی، ۱۴۰۲، ق. ۲۰، ۲۰۸) در آیات بعدی فرایند ایجاد مواد غذایی را بیان می‌کند و تصریح دارد که خداوند این مواد را در اختیار انسان‌ها قرار داده است. (عبس/۸۰، ۲۵-۳۲) توجه به این نکته که هم انسان آفریده خداست (انعام/۶، ۹۴؛ اعراف/۷، ۱۱؛ کهف/۱۸، ۴۸؛ طه/۲۰، ۵۵؛ حج/۲۲، ۵؛ مؤمنون/۲۳، ۱۱۵؛ حجرات/۴۹، ۱۳؛ واقعه/۵۶، ۵۷؛ نبأ/۷۸، ۸) و هم مواد غذایی، آیات دیگر قرآن را که چه غذاهایی مناسب انسان است و چه خوراکی‌هایی مناسب نیست، قابل فهم می‌سازد. شرکت سازنده موتور (Engine) بهتر از دیگران می‌داند که روغن چقدر برای موتور مهم است و برای کار بهتر و طولانی‌تر آن چه روغنی مناسب است.

قرآن خوراکی‌هایی را که برای حیات انسان مفید است و او را در مسیر پیشرفت و تکامل قرار می‌دهد از آن‌هایی که برای زندگی انسان مضر است و مانع سیر تکاملی او می‌شود، جدا کرده به گروه اول برچسب طیب و حلال (بقره/۲، ۱۶۸ و ۱۷۲؛ طه/۲۰، ۸۱؛ مائده/۸۸، ۵؛ کهف/۱۸، ۱۹؛ انفال/۸، ۶۹؛ مؤمنون/۲۳، ۵۱؛ اعراف/۷، ۱۵۷؛ نحل/۱۱۴، ۱۶) و به گروه دوم مارک نجس و حرام (انعام/۶، ۱۴۵؛ مائده/۹۰، ۹۱؛ اعراف/۷، ۱۵۷) زده است.

از نظر قرآن، تغذیه برای یک مسلمان فقط برطرف کردن نیازهای بدن نیست، بلکه سبک زندگی و خط سیر است. مسلمان با انتخاب کم و کیف مواد غذایی در چهارچوب شریعت، اعتقاد و ایمان خود به مبدأ و معاد و برخورداری از هدف والا و مقدس در زندگی را به نمایش می‌گذارد، چون قرآن این‌گونه خواسته است: «از آنچه نام خدا بر آن گفته شده، بخورید اگر به آیات او ایمان دارید.» (انعام/۶، ۱۱۸) تمام این‌ها نشان می‌دهند که مسلمانان

نمی‌توانند نسبت به مواد غذایی خود بی‌تفاوت باشند، زیرا این بی‌تفاوتی ممکن است مسیر زندگی آن‌ها را تغییر داده و از حرکت به سمت هدف اصلی و نهایی باز دارد.

روایات شیعه و سنی جزئیات بیشتر از آنچه راجع به اهمیت مواد غذایی حلال در قرآن آمده را بازگو می‌کند و فلسفه بسیاری از حرام‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهد. در این روایات، تأثیرات منفی مواد غذایی حرام روی بدن، ذهن و روان انسان و ایجاد اختلال در رشد جسمی، تربیت معنوی و پیشرفت اخلاقی او و همچنین گسترش فساد و فحشا در جامعه و متزلزل ساختن بنیان‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه بیان شده است.^۱ اگر روایات مربوط به شرایط و ویژگی‌های تغذیه، در کنار آیات مربوطه قرار داده شود، زوایای بیشتری از اهمیت مواد غذایی حلال در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نمایان می‌شود که در وقت و جای مناسب خود باید بررسی شود، اما آنچه از منظر این تحقیق مهم است امنیت غذایی مسلمانان از جهت فقهی (کیفی) و اقتصادی (کمی) است.

۱. امنیت غذایی از جهت فقهی

بر اساس تأکید آیات قرآن و منابع روایی شیعه و سنی، مسلمانان باید از مواد غذایی حلال تغذیه کنند. به همین دلیل، در هر کشوری که زندگی می‌کنند باید نسبت به پاک بودن خوراکی‌هایی که مصرف می‌کنند، اطمینان و یا به تعبیر فقهی مؤمن (مجوز امنیت‌بخش) داشته باشند. در غیر این صورت، نگرانی از مخالفت با شریعت و پیامدهای منفی تغذیه ناسالم در آنان وجود

۱. مراجعه شود به: الکافی، کتاب الاطعمة، باب علل التحريم؛ وسائل الشیعه، کتاب الاطعمة و الاشریة، ابواب اطعمة المحرمة؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب الاطعمة و عمدة الاحکام من کلام خیر الانام، کتاب الاطعمة و کتاب الاشریة.





خواهد داشت. کشورهای اسلامی نیز وقتی مواد غذایی از کشورهای دیگر وارد می‌کنند، همان‌گونه که راهکارهایی برای اطمینان از سلامت و بهداشتی بودن آن‌ها در نظر می‌گیرند، مکانیسم‌هایی را برای حلال بودن آن‌ها می‌سنجند تا مصرف‌کنندگان مسلمان نسبت به پاک بودن آن‌ها اطمینان خاطر پیدا کنند و به جای احساس ناخوشایند مخالفت احتمالی با شریعت، احساس خوشایند تغذیه در چهارچوب شریعت داشته باشند. این، همان چیزی است که برای آن عنوان «امنیت غذایی از جهت فقهی» انتخاب شده است.

اسلام برای ارتقای امنیت غذایی مسلمانان از نگاه فقهی، بنا را بر مباح بودن خوراکی‌ها تا زمانی که حرام بودن آن معلوم نشده، گذاشته است. (نجفی، ۱۳۶۶، ۳۶، ۳۳۶) معیارهای آسان و در عین حال اطمینان‌بخش برای اثبات حلال بودن مواد غذایی قرار داده است که نمونه آن «بازار مسلمین» و «دست مسلمان» است. حتی در مورد گوشت که نیاز به ذبح شرعی دارد، اگر از بازار مسلمان‌ها و یا از دست مسلمان تهیه شود، نیاز به احراز ذبح شرعی ندارد و حلال است. (اردبیلی، ۹۹۳، ۱۱، ۸۷ و ۱۲۴؛ امام خمینی، ۱۴۰۹، ۴، ۲۴۸، ۴ و خویی، ۱۴۱۳، ۱۲، ۱۵۳) با وجود این، اکثر قریب به اتفاق مراجع تقلید در مورد گوشت‌های وارداتی از کشورهای غیرمسلمان و یا مصرف گوشت توسط مسلمان در کشور کفر حساسیت نشان داده و احراز ذبح شرعی را لازم می‌دانند.^۱ اما در مورد غذاهای غیرگوشتی که در کشورهای غیراسلامی تولید شده است، بیشتر مراجع آن‌ها را پاک و خوردن‌شان را حلال می‌دانند مگر

۱. استفتائات از حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۰۷ و ۴۹۹؛ استفتا از مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای رحمته الله علیه، ۱۰ تیر ۱۳۹۶ (<http://www.leader.ir/fa/content/18667>)؛ استفتا از حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی (<http://wahidkhorasani.com>)؛ استفتا از حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (<http://portal.anhar.ir/node/gsc.tab#4288>)؛ استفتا از حضرت آیه الله العظمی فیاض (<http://alfayadh.org/fa/#estefat?cat=15>)؛ حضرت آیه الله العظمی سیستانی (<http://www.sistani.org/persian/book/232/53/>)

این که مصرف‌کننده مسلمان بداند که بر اثر تماس با بدن کافر و یا به گونه‌ای دیگر نجس شده که در این صورت حرام است. (فلاح‌زاده، ۱۳۹۲، ۲، ۱۳۳-۱۳۴)

از مجموع احکام فقهی مربوط به خوراکی‌ها به خصوص خوراکی‌های گوشتی به دست می‌آید که اسلام بین مواد غذایی تولیدشده در کشورهای اسلامی و توسط تولیدکننده مسلمان با مواد غذایی تولیدشده در کشورهای غیراسلامی تفاوت اساسی قائل است؛ به گونه‌ای که اولی را نشانه حلال بودن می‌داند مگر این که خلاف آن ثابت شود و دومی را نشانه حرام بودن می‌داند مگر این که خلاف آن به اثبات برسد. این قضیه در مورد گوشت از حساسیت بیشتری برخوردار است و در حالت دوم باید تذکیر احراز شود وگرنه حرام است. این تبعیض در احکام نشان می‌دهد که خوراکی‌های تولیدشده توسط مسلمان و یا تهیه‌شده از بازارهای اسلامی امنیت و آرامش بیشتر برای مصرف‌کنندگان مسلمان فراهم می‌کند تا تولیدشده توسط غیرمسلمان و یا تهیه‌شده از بازارهای غیراسلامی. در مورد اولی اصل بر حلیت است و در مورد دومی حرمت. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که تهیه مواد غذایی از کشورهای اسلامی و تولیدکنندگان مسلمان دارای ضریب اطمینان بالاتر از جهت رعایت استانداردهای شریعت است تا تهیه این مواد از کشورها و تولیدکنندگان غیرمسلمان. در شرایط عادی، این موضوع می‌تواند به اندازه کافی اولویت واردات مواد غذایی از کشورهای اسلامی را برای مسلمانان توجیه نماید حتی اگر از جنبه اقتصادی توجیه‌پذیر نباشد.

۲. امنیت غذایی از جهت اقتصادی

مفهوم امنیت غذایی (Food Security) بیشتر ناظر به جنبه کمی قضیه است. در تعریف پذیرفته‌شده از این مفهوم^۱ آمده که «امنیت غذایی وضعیتی است که

۱. برای تعریف دقیق امنیت غذایی و تحولات تاریخی و شاخص‌های آن مراجعه شود به: Household Food Security: Concepts, Indicators, and Measurements, A Technical Review by S.





در آن همه مردم در هر زمان دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، سالم و مغذی برای نیازها و ترجیحات غذایی و زندگی فعال و سالم داشته باشند.» (www.fao.org/economic/ess/ess-fs/en) در اینجا نیز امنیت غذایی به این معناست که تمام خانواده‌ها از نظر فیزیکی و اقتصادی به غذای لازم برای تمام افراد خانواده دسترسی پایدار داشته باشند و خطری این دسترسی را تهدید نکند. این نوع از امنیت غذایی در سطوح مختلف جهانی، منطقه‌ای و کشوری قابل تعریف است. (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۶، ۲۸۹-۳۴۲) برای دستیابی به ایمنی غذایی، کشورها بسته به فواید و زیان‌های وابستگی به تجارت بین‌الملل برای تأمین مواد غذایی لازم اقدام به انتخاب بین خودکفایی و خوداتکایی غذایی می‌کنند. در اولی امکانات و مزیت‌های تجارت خارجی دیده نشده، ولی در دومی توان واردات مواد غذایی به منظور تأمین نیاز غذایی کشور به پشتوانه منابع درآمدی حاصل از صادرات کالاها و خدمات غیر غذایی لحاظ شده است. (همان)

مبانی نظری مربوطه نشان می‌دهد که امنیت غذایی چهار بُعد عمده دارد: (۱) موجود بودن غذا که بر اساس تولید داخلی، ظرفیت واردات مواد غذایی، وجود ذخایر و کمک‌های غذایی تعیین می‌شود؛ (۲) دسترسی به غذا که به سطح فقر، قدرت خرید خانوارها، قیمت‌ها و وجود زیرساخت‌های بازار و حمل و نقل و سیستم توزیع غذا بستگی دارد؛ (۳) پایداری عرضه و دسترسی که تحت تأثیر آب و هوا، تغییرات قیمت‌ها، عوامل طبیعی و اقتصادی و سیاسی قرار دارد و (۴) استفاده مطلوب از مواد غذایی که به بهداشت و تغذیه، کیفیت و سلامت مواد غذایی بستگی دارد. (سالم و مجاوریان، ۱۳۹۴، ۱-۲۰) از جهت کمی، مهمترین شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری میزان امنیت غذایی در سطح یک کشور

مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارتند از: ۱) سرانه تولید غذا؛ ۲) سرانه قابلیت استفاده از کالری؛ ۳) سرانه قابلیت استفاده از پروتئین؛ ۴) نسبت صادرات کل به واردات مواد غذایی و ۵) جمعیت غیرکشاورزی. (همان)^۱

ابعاد پذیرفته‌شده امنیت غذایی و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سطح آن نشان می‌دهند که موجودیت مواد غذایی در یک کشور هم به ظرفیت تولید داخلی و هم ظرفیت واردات وابسته است. امروزه مسلم شده که هیچ کشوری تمام مواد غذایی مورد نیاز خود را تولید نمی‌کند. به همین دلیل واردات، بخشی از عوامل تعیین‌کننده امنیت غذایی محسوب می‌شود و رابطه مستقیم بین آن‌ها برقرار است. (همان) شواهد تجربی نشان می‌دهند که تجارت مواد غذایی دسترسی به غذای بیشتر، ارزان‌تر و متنوع‌تر را ممکن می‌سازد. (همان)

با وجود این که تجارت مواد غذایی به امنیت غذایی کمک مؤثر می‌کند، اما پایداری آن را تضمین نمی‌کند. زیرا ممکن است عوامل مختلف اقتصادی و سیاسی در ناپایداری ساختن آن دخیل باشند. در قسمت عوامل اقتصادی ناپایداری می‌توان از نوسان قیمت‌ها (Agriculture and Food Security in OIC member countries, 2016, P. viii) و نرخ ارز، کاهش صادرات یا کاهش قدرت خرید درآمد صادراتی کشور وارد کننده، اعمال محدودیت از سوی کشور صادرکننده و کاهش ذخایر جهانی مواد غذایی یاد کرد و در قسمت عوامل سیاسی، می‌توان از تحریم‌های تجاری هدفمند که به منظور فلج کردن یک کشور صورت می‌گیرد نام برد حتی اگر این تحریم‌ها شامل اقلام مواد غذایی نشود چون تأثیر خود را روی این بخش نیز می‌گذارد. (ر.ک. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۶، ۲۸۹-۳۴۲)

۱. برای بررسی بیشتر مراجعه شود به:

Household Food Security: Concepts, Indicators, and Measurements, A Technical Review by S. Maxwell and T. Frankenberger, 1992.





اکنون که انتظار می‌رود بصیرت لازم در مورد جایگاه تجارت خارجی در امنیت غذایی به مفهوم اقتصادی آن به دست آمده باشد، این پرسش جای طرح دارد که آیا بین‌الاسلامی شدن تجارت مواد غذایی می‌تواند به پایداری امنیت غذایی در کشورهای اسلامی کمک و آن را به عنوان یک اولویت مطرح نماید؟ دادن پاسخ مثبت به این پرسش آسان نیست، زیرا اولاً جهان اسلام به خودکفایی غذایی نرسیده است و یا رسیدن به آن را به صرفه نمی‌بیند و ثانیاً بسیاری از عوامل اقتصادی و سیاسی ناپایداری، دنیای اسلام را نیز دربرمی‌گیرد.^۱ اما با وجود تمام این‌ها، مزیت‌هایی در این تجارت وجود دارد که اولویت آن را موجه می‌سازد. از جهت اقتصادی، بین‌الاسلامی شدن تجارت مواد غذایی به افزایش صادرات در کشورهای اسلامی و از این طریق به امنیت غذایی آن‌ها کمک می‌کند، زیرا یکی از شاخص‌های سنجش سطح مواد غذایی در یک کشور نسبت صادرات کل به واردات مواد غذایی است. وقتی صادرات کشورهای اسلامی افزایش یابد، این نسبت نیز بهبود می‌یابد. از طرفی دیگر، رونق گرفتن چنین تجارتی، بازار اسلامی مواد غذایی را به وجود می‌آورد که می‌تواند تا حدودی مستقل از بازار جهانی عمل کند و از ثبات بیشتر در قیمت‌ها و میزان ذخایر برخوردار باشد.^۲

از جهت سیاسی، با این‌که کشورهای اسلامی نیز باید به تحریم‌های بین‌المللی علیه یک یا چند کشور خاص پای‌بند باشند، اما در تحریم‌های یک‌جانبه و قُلدرمآبانه^۳ که جهان اسلام و یا کشورهای تأثیرگذار اسلامی را نشانه

۱. نوسان قیمت‌ها و نرخ ارز شامل کشورهای اسلامی نیز می‌شود. هم‌چنین تحریم‌های بین‌المللی این کشورها را نیز دربرمی‌گیرد و حتی ممکن است خود کشورهای اسلامی همدیگر را تحریم کنند چنان‌چه عربستان و چند کشور عربی دیگر، هم‌اکنون یمن و قطر را تحریم کرده‌اند.
 ۲. به خصوص اگر قواعد بازار اسلامی در آن رعایت شود و کارگزاران عملکرد اسلامی داشته باشند.
 ۳. مانند تحریم‌هایی که ایالات متحده آمریکا بر علیه مخالفان بین‌المللی خود وضع می‌کند.

رفته باشند و هدف از آن تحریم‌ها مقابله با اسلام باشد، تجارت بین‌الاسلامی می‌تواند به پایداری امنیت غذایی کمک نماید و از این منظر به عنوان یک اولویت مطرح باشد. با توجه به این‌که تصمیمات بین‌المللی معمولاً تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ به ویژه پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد که حق وتو دارند صورت می‌گیرد و کشورهای اسلامی از چنین حقی برخوردار نیستند، یکی از راه‌های نسبتاً مطمئن مقابله با تحریم تجاری دنیای اسلام و یا کشورهای تأثیرگذار اسلامی، گسترش تجارت بین‌الاسلامی است به خصوص در کالاهای اساسی^۱ که برخی از اقلام مواد غذایی از جمله آن‌هاست.

باید توجه داشت که بین‌الاسلامی شدن تجارت مواد غذایی در عمل به معنای جبهه‌گیری اقتصادی کشورهای اسلامی در مقابل سایر کشورها نیست، بلکه استفاده از ظرفیت «حق انتخاب مشتری» است. واردکننده مسلمان مانند دیگران آزادی عمل دارد که کالاها و خدمات مورد نظر خود را از بازار یا کشور دلخواه خود خریداری کند و در این گزینش ترجیحات خود را دخالت دهد. ترجیحات یک واردکننده مسلمان ممکن است ترکیبی از منافع شخصی و منافع کلان اجتماعی باشد و در انتخاب طرف تجاری خود هر دو را در نظر بگیرد. به طور مشخص تصمیم بگیرد کالا را از کشوری وارد کند که هم به سود شخصی برسد، هم کالای حلال به دست مصرف‌کننده مسلمان برساند، هم به رونق تولید، افزایش اشتغال، صادرات و درآمد ملی و ارتقای امنیت غذایی یک کشور اسلامی کمک نماید. این

۱. در ادبیات اقتصادی برخی از کالاها را «کالاهای اساسی» می‌نامند که کشورها باید ذخیره قابل اطمینانی از آن‌ها داشته باشند تا دچار بحران نشوند. یکی از نمونه‌های بارز کالاهای اساسی مواد غذایی است. به عنوان مثال، برخی از کالاهای اساسی که در سال ۱۳۹۳ مشمول قیمت‌گذاری دولت در ایران به عنوان اولویت یک شد عبارت بودند از گوشت قرمز، گندم، آرد، نان، برنج، روغن نباتی، شکر، کره، جو، ذرت، کنجاله سویا، گوشت مرغ، شیر خشک صنعتی، شیر خام، کود اوره، کود فسفات و پتاس. (سایت فرارو، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۳) <http://fararu.com/fa/news/187506>.



کار، جبهه‌گیری علیه کسی نیست، بلکه استفاده از حق انتخاب خود بر اساس ترجیحات است. بنابراین، بین‌الاسلامی شدن تجارت نباید با چالش مقابله به مثل مواجه شود، مگر این‌که اصل اسلام برای دیگران قابل تحمل نباشد که در آن صورت مسأله چهره دیگری به خود می‌گیرد و این نوع تجارت اهمیت و اولییتی بیشتر پیدا می‌کند.

تا این‌جا را می‌توان به این صورت جمع‌بندی کرد که بین‌الاسلامی شدن تجارت مواد غذایی هم از نظر ارزشی و فرهنگی و هم از جهت اقتصادی یک اولویت است. از جنبه مباحث نظری، این نوع تجارت امنیت غذایی مسلمانان را به لحاظ معیارهای فرهنگی و اقتصادی ارتقا می‌بخشد و ضرورت همکاری‌های بیشتر آنان را تقویت می‌کند. اکنون باید دید که مشاهدات تجربی چقدر با یافته‌های نظری همخوانی دارد و در عمل چه میزان از تجارت مواد غذایی کشورهای مسلمان بین‌الاسلامی است. آیا تقاضای واردات مواد غذایی حلال به حدی هست که در صورت بین‌الاسلامی شدن آن بتواند آثار مثبت اقتصادی برای کشورهای مسلمان داشته باشد و آیا ظرفیت تولیدکنندگان مسلمان برای صادرات مواد غذایی حلال به اندازه‌ای هست که پاسخ‌گوی تقاضای واردات باشد؟ برای یافتن پاسخ‌های قابل قبول، ابتدا با استفاده از آمارهای فائو (FAO) و سسریک (SESRIK) میزان تجارت مواد غذایی توسط کشورهای اسلامی و به‌طور مشخص ظرفیت صادرات و واردات آنان استخراج و سپس اهمیت اقتصادی آن برای کشورهای اسلامی از منظر همگرایی بررسی می‌شود.

ظرفیت جهان اسلام برای تجارت مواد غذایی

آمارهای سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO) که به صورت مقطعی (برای سال‌های 1990، 2000 و 2014) منتشر شده است نشان می‌دهد که مجموع صادرات مواد غذایی توسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ میلادی به ترتیب حدود ۱۳، ۱۸ و ۹۶ میلیارد

دلار بوده است. این ارقام به ترتیب حدود ۶، ۷ و ۱۰ درصد کل صادرات مواد غذایی در جهان را تشکیل می‌داده است. (استخراج‌شده از آمارهای فائو، ۲۰۱۵) مجموع واردات مواد غذایی به وسیله اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در سال‌های پیش‌گفته به ترتیب نزدیک به ۲۸، ۳۸ و ۱۶۰ میلیارد دلار بوده است. نسبت آن به واردات کل جهان به ترتیب حدود ۱۲، ۱۳ و ۱۷ درصد بوده است. (استخراج‌شده از همان) جدول ۱، جزئیات این اعداد و درصدها را دقیق‌تر به نمایش می‌گذارد.

جدول ۱: صادرات و واردات مواد غذایی کشورهای اسلامی و جهان (اعداد به میلیون دلار)

موارد	صادرات مواد غذایی			واردات مواد غذایی		
	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۴	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۴
کشورهای اسلامی	۱۲۶۷۶	۱۸۴۸۸	۹۶۰۳۰	۲۸۳۰۳	۳۸۰۳۵	۱۶۰۵۱۲
جهان	۲۱۵۴۲۵	۲۷۶۷۰۴	۹۴۵۵۷۲	۲۳۷۳۲۹	۲۹۴۲۷۱	۹۶۶۹۶۴
نسبت به جهان	۵٫۹٪	۶٫۷٪	۱۰٫۱۵٪	۱۱٫۹٪	۱۲٫۹٪	۱۶٫۶٪

منبع: استخراج شده از داده‌های فائو ۲۰۱۵

آمارهای مرکز تحقیقات آماری، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی کشورهای اسلامی (SESERIC) وابسته به سازمان همکاری اسلامی (OIC) اطلاعات بیشتر و در عین حال متفاوت‌تری را در اختیار قرار می‌دهد. بر اساس این داده‌ها، در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ کشورهای اسلامی به ترتیب حدود ۲۷ و ۱۴۰ میلیارد دلار مواد غذایی صادر کرده‌اند که ۶ و ۹ درصد صادرات جهانی را تشکیل می‌داده است و حدود ۴۲ و ۲۱۸ میلیارد دلار مواد غذایی وارد کرده‌اند که ۹ و ۱۵ درصد واردات جهانی را به وجود آورده است. (Agriculture and Food Security in OIC mem-)

جدول ۲ جزئیات بیشتر و دقیق‌تر را ارائه می‌دهد. (ber countries, 2016)



جدول ۲: صادرات و واردات مواد غذایی کشورهای اسلامی و جهان (اعداد به میلیون دلار)

سال	کشورهای اسلامی		جهان		نسبت به جهان	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
۲۰۰۰	۲۶۸۸۴	۴۲۵۰۹	۴۲۹۸۴۴	۴۴۷۹۹۲	۶.۳	۹.۵
۲۰۰۵	۴۹۷۱۵	۶۸۱۶۶	۶۸۱۴۰۰	۷۰۴۸۶۷	۷.۳	۹.۷
۲۰۰۶	۵۶۱۱۵	۸۰۵۷۸	۷۵۲۷۹۰	۷۷۵۸۸۴	۷.۵	۱۰.۴
۲۰۰۷	۷۳۸۴۲	۱۰۵۶۴۹	۹۱۲۷۵۰	۹۳۶۶۶۴	۸.۱	۱۱.۳
۲۰۰۸	۹۹۲۷۵	۱۴۲۶۵۶	۱۱۱۲۳۰۰	۱۱۴۳۹۰۳	۸.۹	۱۲.۵
۲۰۰۹	۸۸۹۷۱	۱۲۷۹۰۸	۹۹۵۸۰۰	۱۰۱۷۸۴۶	۸.۹	۱۲.۶
۲۰۱۰	۱۰۸۸۷۰	۱۵۳۹۹۲	۱۱۱۷۸۰۰	۱۳۶۴۹۴۸	۹.۷	۱۱.۳
۲۰۱۱	۱۳۰۹۳۰	۲۰۲۱۳۷	۱۳۵۱۷۰۰	۱۳۶۵۴۸۳	۹.۷	۱۴.۸
۲۰۱۲	۱۳۶۳۳۰	۲۰۵۴۶۴	۱۳۷۵۷۰۰	۱۳۷۸۰۳۰	۹.۹	۱۴.۹
۲۰۱۳	۱۳۴۱۳۰	۲۱۰۱۸۱	۱۴۴۳۸۰۰	۱۴۳۴۷۵۰	۹.۳	۱۴.۶
۲۰۱۴	۱۳۹۷۲۰	۲۱۸۴۷۸	۱۴۸۳۰۰۰	۱۴۷۸۵۲۷	۹.۴	۱۴.۸
مجموع	۱۰۴۴۷۸۲	۱۵۵۷۷۱۸	۱۱۶۵۶۸۸۴	۱۲۰۴۸۸۹۴		

استخراج شده از: Agriculture and Food Security in OIC member countries, 2016.

گرچه این آمارها اختصاص به تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی ندارد، ولی می‌توان از آن‌ها تا حدودی میزان صادرات و تقاضای واردات مواد غذایی توسط کشورهای اسلامی را به دست آورد. ارقام به وضوح نشان می‌دهد که اعضای سازمان کنفرانس اسلامی بیشتر واردکننده مواد غذایی بوده‌اند تا صادرکننده آن. متوسط سهم آن‌ها از صادرات جهانی مواد غذایی در خلال سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۴ نزدیک به ۹ درصد و از واردات حدود ۱۲ درصد بوده است. هم‌چنین تراز تجاری آن‌ها در مواد غذایی آن‌گونه که در جدول ۳ آمده، همواره منفی



بوده است. آمارهای فائو نشان می‌دهد که کسری تجاری کشورهای اسلامی در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ به ترتیب حدود ۱۶، ۱۹ و ۶۴ میلیارد دلار بوده است. آمارهای سسریک نیز همین وضعیت را تأیید می‌کند. جدول ۳ وضعیت تراز تجاری کشورهای اسلامی در تجارت مواد غذایی را بر اساس آمارهای فائو و سسریک نشان می‌دهد.

جدول ۳: تراز تجاری کشورهای اسلامی در مواد غذایی (اعداد به میلیون دلار)

سال	تراز تجاری
فائو (FAO)	
۱۹۹۰	-۱۵۶۲۷
۲۰۰۰	-۱۹۵۴۷
۲۰۱۴	-۶۴۴۸۲
مجموع سه سال	-۹۹۶۵۶
سسریک (SESRIK)	
۲۰۰۰	-۱۵۶۲۵
۲۰۰۵	-۱۸۴۵۱
۲۰۰۶	-۲۴۴۶۳
۲۰۰۷	-۳۱۸۰۷
۲۰۰۸	-۴۳۳۸۱
۲۰۰۹	-۳۸۹۳۷
۲۰۱۰	-۴۵۱۲۲
۲۰۱۱	-۷۱۲۰۷
۲۰۱۲	-۶۹۱۳۴
۲۰۱۳	-۷۸۷۵۸
۲۰۱۴	-۷۸۷۵۸
مجموع یازده سال	-۵۱۲۹۳۶

منبع: استخراج شده از داده‌های فائو ۲۰۱۵

و استخراج شده از: Agriculture and Food Security in OIC member countries, 2016



جدول ۳ نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی در مجموع واردکننده خالص مواد غذایی اند و برخی از آن‌ها وابستگی شدید به واردات غذا دارند. البته کشورهای پیشرفته نیز واردکننده خالص مواد غذایی اند، (الزراعة والامن الغذائي في الدول الاعضا في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶) اما این کجا و آن کجا. طبق داده‌های فائو، از مجموع ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی تنها ۶ کشور^۲ در تجارت مواد غذایی دارای تراز تجاری مثبت بوده‌اند، یعنی صادرات آن‌ها بیش از واردات بوده است و ۴۸ کشور دیگر^۳ تراز تجاری منفی در ترازنامه تجارت مواد غذایی خود داشته‌اند. (FAO Statistical Pocketbook, World Food and Agriculture, ۲۰۱۵) در میان این ۴۸ کشور، کشورهایی قرار دارند که از مزیت نسبی در برخی تولیدات کشاورزی برخوردارند. بر اساس اطلاعات سسریک، ده کشوری که بیشترین صادرات مواد غذایی را در میان کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۴ داشته‌اند به ترتیب اندونزی، مالزی، ترکیه، امارات متحده عربی، کویت دی‌فوار، ایران، نیجریه، پاکستان، مصر و مغرب بوده‌اند. ۸۴ درصد از کل صادرات مواد غذایی کشورهای اسلامی توسط این ده کشور انجام شده است و سه کشور مالزی، اندونزی و ترکیه بیشتر از نصف کل صادرات مواد غذایی (۵۸٪) را به خود اختصاص داده‌اند. ده کشوری که در همین سال بیشترین واردات مواد غذایی را ثبت کرده‌اند به ترتیب عربستان سعودی، اندونزی، امارات متحده عربی، مالزی، مصر، عراق، ایران، ترکیه، الجزایر و نیجریه بوده‌اند. این‌ها ۶۸ درصد کل واردات کشورهای اسلامی را برای خود ثبت کرده‌اند. (الزراعة والامن الغذائي في الدول الاعضا في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶، ۸۰-۸۱)

۱. مانند عربستان سعودی، افغانستان، یمن و چند کشور دیگر.

۲. اندونزی، ترکیه، کویت دی‌فوار، گویانا، گینه بیسائو و مالزی. البته بر اساس آمار سسریک، در سال ۲۰۱۴ هفت کشور اسلامی به شمول اندونزی، مالزی، ترکیه، کویت دی‌فوار، اوگاندا، گیانا و موریتانی تراز تجاری مثبت داشته‌اند. (الزراعة والامن الغذائي في الدول الاعضا في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶، ص ۸۱)

۳. آمار سه کشور قطر، عمان و سودان موجود نیست.

4. Food and Agriculture Organization of the United Nations, FAO STATISTICAL YEARBOOK 2013 World Food and Agriculture, Rome, 2013; Agriculture and Food Security in OIC member countries, 2016, P. 25.

در مقابل داده‌های بالا که اعضای OIC را در مجموع واردکننده خالص مواد غذایی ساختند، از آمارهای یک نهاد مربوطه دیگر نتایج متفاوت به دست می‌آید. بر اساس این داده‌ها، در ساختار صادرات کشورهای اسلامی، مواد غذایی سهمی بیشتر از همتای خود در ترکیب واردات دارد. گزارش مرکز اسلامی توسعه تجارت (ICDT)، در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۵ نشان می‌دهد که مواد غذایی ۲۰ درصد صادرات و ۱۸ درصد واردات این کشورها را تشکیل می‌دهد است. (التقرير السنوي حول التجارة البينية للدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۵-۲۰۱۶، ۱۰) با توجه این که در تمام این سال‌ها به جز ۲۰۱۵ صادرات کل بیشتر از واردات کل بوده است، (همان، ۹) کشورهای اسلامی به صورت یک کل باید صادرکننده خالص مواد غذایی باشند و این با آمارهای قبلی همخوانی ندارد. علل و منشأهای این اختلاف فاحش در داده‌ها و نتایج نیاز به بررسی بیشتر و دقیق‌تر دارد، ولی روی کلیت مباحث این تحقیق تأثیری ندارد، زیرا اولاً داده‌های فائو و سسریک با وجود اختلاف در ارقام، با ارائه یک روند مشابه، همدیگر را تقویت می‌کنند. ثانياً آمارهای اخیر گرچه نتایج اولیه را معکوس می‌کند، اما نتایج اصلی را تغییر نمی‌دهد چون با ظرفیت بالای کشورهای اسلامی در صادرات و واردات مواد غذایی سازگاری دارد و هم‌چنین بر اهمیت تجارت بین‌المللی اسلامی مواد غذایی مهر تأیید می‌زند. به همین دلیل، فرض را بر صحت آمارهای فائو و سسریک می‌گذاریم.

نتایج اولیه‌ای که از این مشاهدات به دست می‌آید این است که کشورهای اسلامی در مجموع مازاد تقاضای قابل توجهی برای واردات مواد غذایی دارند که توسط صادرکنندگان این کشورها پاسخ داده نمی‌شود. تراز مجموع تجارت مواد غذایی برای سه سال مورد نظر فائو کسری ۱۰۰ میلیارد دلاری و برای ۱۱ سال سسریک کسری ۵۱۳ میلیارد دلاری را به نمایش می‌گذارد که در صورت جبران آن، درآمد قابل توجهی به درآمدهای کشورهای اسلامی افزوده می‌شود که می‌تواند آثار اقتصادی مثبتی در پی داشته باشد از جمله افزایش تولید،



اشتغال، افزایش ارزش افزوده، افزایش درآمد ملی و ارتقای امنیت غذایی. توجه داشته باشیم که این رقم کسری مربوط به ۱۱ سال است. اگر تعداد سال‌ها بیشتر شود، این رقم بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود.

برطرف کردن این کسری در صورتی می‌تواند منافع اقتصادی فوق‌العاده را عاید کشورهای اسلامی نماید که بر اساس یک برنامه‌ریزی هماهنگ همراه با نیازسنجی و تقسیم کار، مازاد تقاضای واردات کشورهای اسلامی توسط صادرکنندگانی از همین کشورها پاسخ داده شود. حالا اگر کشورهای اسلامی بتواند مواد غذایی حلالی که از نظر کیفیت و قیمت قابل رقابت با کالاهای مشابه کشورهای غیراسلامی باشد تولید نمایند، با تقاضای واردات از کشورهای غیراسلامی نیز مواجه خواهند شد^۱ به خصوص کشورهایی که بخش قابل توجهی از جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

اکنون که ظرفیت کشورهای اسلامی برای صادرات و واردات مواد غذایی حلال تا حدودی مشخص شده، باید دید که در عمل چه مقدار از این ظرفیت برای گسترش تجارت بین‌الاسلامی به کار گرفته شده است؟

میزان تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی

در مورد میزان تجارت مواد غذایی بین کشورهای اسلامی آماری که به صورت مستقیم به آن پرداخته باشد، موجود نیست؛ اما می‌توان از اطلاعات مربوط به تجارت بین‌الاسلامی کالاها و خدمات و سهم مواد غذایی در میان آن‌ها مقدار تقریبی آن را به دست آورد. بر اساس داده‌های سسریک، حجم تجارت بین کشورهای اسلامی از حدود ۸۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ و ۶۹۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسیده است. جدول ۴ جزئیات بیشتر از میزان

۱. در حال حاضر مصرف‌کنندگان غیر مسلمان نیز از کالاهای با نشان حلال استقبال می‌کنند. (مهرآفرین،

تجارت بین کشورهای اسلامی در دوره ۱۹۹۶ - ۲۰۱۵ ارائه می‌دهد.

جدول ۴: میزان تجارت بین کشورهای اسلامی (اعداد به میلیون دلار)

سال	صادرات	واردات	حجم تجارت	خالص تجارت
۱۹۹۶	۴۳۴۱۱	۴۴۴۰۴	۸۷۸۱۵	۴۳۹۰۸
۱۹۹۷	۴۸۴۴۳	۴۴۴۶۵	۹۲۹۰۸	۴۶۴۵۴
۱۹۹۸	۴۱۶۳۰	۴۰۰۰۳	۸۱۶۳۳	۴۰۸۱۷
۱۹۹۹	۴۴۹۲۲	۴۶۰۴۵	۹۰۹۶۷	۴۵۴۸۴
۲۰۰۰	۵۵۲۷۶	۵۴۷۶۰	۱۱۰۰۳۶	۵۵۰۱۸
۲۰۰۱	۵۶۷۵۵	۵۶۳۳۳	۱۱۳۰۸۸	۵۶۵۴۴
۲۰۰۲	۶۳۴۷۹	۶۱۰۹۵	۱۲۴۵۷۴	۶۲۲۸۷
۲۰۰۳	۷۵۲۰۵	۷۵۳۸۷	۱۵۰۵۹۲	۷۵۲۹۶
۲۰۰۴	۱۰۸۲۳۸	۱۱۲۳۸۳	۲۲۰۶۲۱	۱۱۰۳۱۱
۲۰۰۵	۱۳۴۸۱۶	۱۴۲۵۷۹	۲۷۷۳۹۵	۱۳۸۶۹۸
۲۰۰۶	۱۶۵۸۵۲	۱۷۶۵۸۷	۳۴۲۴۳۹	۱۷۱۲۲۰
۲۰۰۷	۱۹۷۱۶۹	۲۱۳۵۴۱	۴۱۰۷۱۰	۲۰۵۳۵۵
۲۰۰۸	۲۶۵۴۲۷	۲۹۰۳۱۱	۵۵۵۷۳۸	۲۷۷۸۶۹
۲۰۰۹	۲۰۷۹۳۰	۲۱۸۸۳۰	۴۲۶۷۶۰	۲۱۳۳۸
۲۰۱۰	۲۵۷۷۱۰	۲۸۱۲۹۰	۵۳۹۰۰۰	۲۶۹۵۰۰
۲۰۱۱	۳۲۵۴۱۰	۳۵۶۱۷۰	۶۸۱۵۸۰	۳۴۰۷۹۰
۲۰۱۲	۳۶۲۱۰۰	۳۸۹۵۸۰	۷۵۱۶۸۰	۳۷۵۸۴۰
۲۰۱۳	۳۷۹۱۵۰	۳۹۶۹۸۰	۷۷۶۱۳۰	۳۸۸۰۷۰
۲۰۱۴	۳۷۸۹۱۰	۴۲۳۳۴۰	۸۰۲۲۵۰	۴۰۱۱۳۰
۲۰۱۵	۳۴۴۲۵۰	۳۴۹۹۸۰	۶۹۴۲۳۰	۳۴۷۱۱۵

استخراج شده از: Statistical Yearbook of the OIC countries, 2006, 2007 and 2009.

التقرير السنوي حول التجارة بين الدول الاعضاء في منظمة التعاون

الاسلامى، ۲۰۱۶ - ۲۰۱۷.





ارقام جدول ۴ نشان می‌دهد که به جز سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵؛ تجارت بین کشورهای اسلامی روند رو به رشد داشته و سهم تجارت بین‌الاسلامی از مجموع تجارت، بیشتر شده است. بخشی از این تجارت مربوط به مواد غذایی بوده است که سهم آن از مجموع تجارت بین کشورهای اسلامی نیز روند صعودی را طی نموده و از ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. (التقرير السنوي حول التجارة بين الدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ۳۱)

به صورت تفکیک‌شده نیز همین وضعیت حاکم است و سهم صادرات مواد غذایی از ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۱۷ درصد در سال ۲۰۱۴ و ۲۳ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. در دوره ۲۰۰۵ - ۲۰۱۵ پنج کشور اسلامی^۱ حدود ۵۲ درصد صادرات بین‌الاسلامی مواد غذایی را به خود اختصاص داده‌اند. (التقرير السنوي حول التجارة بين الدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ۳۷)

صادرات مواد غذایی پنج کشور اسلامی دیگر^۲ بیش از نیمی از صادرات آن‌ها به تمام کشورهای مسلمان را تشکیل داده است. ۱۳ کشور اسلامی^۳ بیش از ۳۰ درصد از مجموع صادرات خود به کشورهای عضو OIC را مواد غذایی صادر کرده است. (التقرير السنوي حول التجارة بين الدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ۳۷)

واردات مواد غذایی بین کشورهای اسلامی نیز روند رو به رشد را پشت سر گذاشته و از ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۱۹ درصد در سال ۲۰۱۴ و ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. (همان، ۴۵ و ۴۶) پنج کشور اسلامی^۴ بیش از نیم (۵۱٪) واردات بین‌الاسلامی

۱. مالزی، اندونزی، ترکیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی.

۲. مالدیو (۸۹٪)، یمن (۸۲٪)، موریتانی (۷۴٪)، اتحادیه کمور (۶۹٪) و اوگاندا (۵۶٪).

۳. پاکستان (۴۷،۷٪)، جیبوتی (۴۴٪)، مالزی (۴۰،۷٪)، قزاقستان (۴۰،۷٪)، سوریه (۴۰،۳٪)، موزامبیک (۳۸٪)، سودان (۳۵،۱٪)، اندونزی (۳۵٪)، کویت دی‌فوار (۳۵٪)، سنگال (۳۵٪)، فلسطین (۳۴،۴٪)، اردن (۳۳٪) و گویانا (۳۰،۱٪).

۴. امارات متحده عربی، ایران، عمان، سوریه و عربستان سعودی.

مواد غذایی را برای خود ثبت کرده‌اند. ۱۱ کشور اسلامی^۱ بیش از ۳۰ درصد واردات خود از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را مواد غذایی وارد کرده است. ۵ کشور اسلامی^۲ بیش از ۲۰ درصد واردات بین‌الاسلامی خود را به وارد کردن مواد غذایی اختصاص داده‌اند. (التقرير السنوي حول التجارة بين الدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، ۲۰۱۶-۲۰۱۷، ۴۵، ۴۶ و ۴۷)

ملاحظه می‌شود که روند تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی صعودی بوده، ولی آیا این میزان از تجارت قابل قبول است؟ باتوجه به ظرفیت موجود در این کشورها، حداقل نمی‌تواند بیان‌گر همگرایی مورد انتظار باشد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ کشورهای اسلامی در مجموع ۶۸ میلیارد دلار مواد غذایی وارد کرده‌اند که ۱۸ میلیارد دلار آن (۲۶٪) از کشورهای اسلامی بوده است. در سال ۲۰۱۴ در مجموع ۲۱۸ میلیارد دلار وارد کرده‌اند که ۸۰ میلیارد دلار آن (۳۶٪) از کشورهای OIC بوده است. این در حالی است که در ۲۰۰۵ از مجموع ۵۰ میلیارد دلار صادرات مواد غذایی، ۲۰ میلیارد آن (۴۰٪) به کشورهای اسلامی بوده است و در سال ۲۰۱۴ از ۱۴۰ میلیارد دلار صادرات مواد غذایی ۶۴ میلیارد دلار آن (۴۶٪) به کشورهای اسلامی بوده است. با این‌که روند، صعودی و رو به بهبود است؛ اما هنوز به حد مورد انتظار نرسیده است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر کشورهای عضو در تلاش بوده‌اند که آن را به مرزهای مطلوب نزدیک‌تر بسازند و پیشنهادهایی را در این زمینه مطرح و گام‌هایی را هم برداشته‌اند.^۴

۱. عمان (۵۹٪)، گینه (۴۵،۲٪)، سوریه (۴۱،۶٪)، نیجر (۳۹،۸٪)، اتحادیه کومور (۳۴،۹٪)، سورینام (۳۳،۷٪)، بنین (۳۳،۳٪)، برونئی (۳۳،۲٪)، یمن (۳۲،۶٪)، توگو (۳۲،۲٪) و بنگلادیش (۳۱٪).
۲. لیبی (۲۹،۸٪)، بورکینافاسو (۲۷،۸٪)، گامبیا (۲۷،۳٪)، فلسطین (۲۵،۳٪) و امارات متحده عربی (۲۵،۳٪).
۳. محاسبه‌شده از جدول‌های ۲ و ۴.

۴. برای اطلاع از میزان تلاش‌ها برای همگرایی بیشتر کشورهای اسلامی در گسترش تجارت بین‌الاسلامی مراجعه شود به: «نحو تعزیز التعاون الاقتصادي و التجاري بين البلدان الاعضاء في منظمة المؤتمر الاسلامي»، بی‌تا و «السوق الاسلامية المشتركة: التكامل التدريجي و النتائج المتوقعة»، مجلة التعاون





به نظر می‌رسد تا اینجا گام‌های لازم برای درک اهمیت تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی از منظر همگرایی جهان اسلام، ظرفیت کشورهای اسلامی برای این تجارت و میزان تجارت موجود برداشته شده و اکنون زمان آن رسیده است که جمع‌بندی نهایی صورت بگیرد و رابطه تجارت مواد غذایی حلال با همگرایی در جهان اسلام به شکل صریح از مباحث انجام‌شده استخراج و استنتاج شود.

نتیجه‌گیری: همگرایی برای تجارت و تجارت برای همگرایی

تحقیق با این ایده آغاز شد که تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی حلال می‌تواند به عنوان یک عامل مهم همگرایی در جهان اسلام مطرح باشد و فارغ از بررسی‌های صرفاً اقتصادی و آزمون‌های تجربی که به بهینه‌یابی کمی می‌پردازند، با استفاده از تحلیل‌های نظری نشان دهد که تجارت غذای حلال دلایل کافی برای همگرایی اسلامی را با خود دارد و هر چه بیشتر و بهتر درک و توجه شود، همگرایی در این نوع تجارت و به دنبال آن همگرایی در زمینه‌های دیگر نیز بیشتر و بهتر می‌شود. مسیری که برای این بررسی طی شد، نه تنها ایده آغازین را به خوبی نشان داد که حواشی آن زوایای پنهان بسیاری را آشکار ساخت که می‌توانند الهام‌بخش تحقیقات بعدی در این زمینه باشند.

از مجموع مطالب این تحقیق یک نتیجه کلی به دست می‌آید و آن این‌که دسترسی به مواد غذایی حلال از دو جهت با همگرایی ارتباط نزدیک دارد: نخست از جهت این‌که این دسترسی بدون همگرایی کشورهای اسلامی میسر نمی‌شود و یا حداقل حالت مطلوب آن به دست نمی‌آید. امنیت غذایی مسلمان‌ها چه از نگاه فقهی و چه اقتصادی بدون همگرایی، تا حدودی دور

از دسترس خواهد بود. دوم از این جهت که تجارت مواد غذایی حلال به همگرایی بیشتر اقتصادی بین کشورهای اسلامی منجر می‌شود که بستر همگرایی در سایر زمینه‌ها را فراهم می‌کند.

این نتیجه کلی، حاوی مجموعه‌ای از نتایج جزئی است که هر کدام در جای خود شایسته توجه و پردازش است تا درک بهتری از نتیجه کلی به دست دهد. قسمت نخست ناشی از اهمیت تغذیه در اسلام است که ابتدا قرآن کریم و سپس روایات مورد تأیید فرق اسلامی به آن پرداخته است. برآیند این پردازش، مسئولیت سنگینی را متوجه مسلمانان، نهادهای اسلامی از جمله نهادهای حاکمیتی می‌سازد که برای تأمین غذای حلال معیارهای شریعت را تأمین نمایند و گرنه نه تنها مصونیت تکلیفی و وضعی ندارند، بلکه ممکن است هویت فرهنگی خود را کاملاً از دست بدهند. اهمیت موضوع، هم تلاش‌ها و مراقبت‌های فردی، جمعی و نهادی و هم در شرایط فعلی که واردات مواد غذایی نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی دارد، هماهنگی و همگرایی تمام کشورهای اسلامی را ایجاب می‌کند.

اولین راه‌حل عملی که برای این همگرایی به نظر می‌رسد، تأمین مواد غذایی مورد نیاز مسلمانان از کشورهای اسلامی است. این کار، دسترسی مسلمانان به غذای حلال را تضمین می‌کند و ضریب امنیت غذایی از جنبه فقهی را ارتقا می‌بخشد. آمارهای موجود نشان می‌دهد که ظرفیت لازم برای این کار وجود دارد، ولی عزم جدی وجود ندارد. مواد غذایی حلال از جمله زمینه‌هایی است که توجه دادن به اهمیت آن می‌تواند در ایجاد عزم لازم نیز بسیار مؤثر باشد، زیرا به کارگزاران خصوصی که بدنه اصلی تجارت را تشکیل می‌دهند انگیزه می‌بخشد. دولت‌ها توانایی ایجاد هماهنگی و بسترسازی را دارند اما واردکنندگان و صادرکنندگان خوبی نیستند. برای صادرات و واردات





باید بخش خصوصی انگیزه کافی برای فعالیت داشته باشند. سودآوری به آنان انگیزه می‌دهد که بازارهای هدف را فقط از این منظر شناسایی کنند، اما برای صادرات به کشورهای اسلامی یا واردات از آن‌ها علاوه بر انگیزه سود، به انگیزه‌های فرهنگی و معنوی نیز نیاز دارند که غذای حلال پتانسیل ایجاد این نوع انگیزه را دارد و به دلیل اهمیت دادن مسلمانان به سلامت غذایی و شرعی بودن آن، تحریک بخش خصوصی برای تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی در دسترس است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم موفقیت کشورهای سازمان همکاری اسلامی در گسترش تجارت بین این کشورها، توجه نداشتن یا اهمیت ندادن به این مسأله است.

علاوه بر این، وابستگی کشورهای اسلامی به مواد غذایی وارداتی از کشورهای غیراسلامی، پایداری امنیت غذایی از جهت اقتصادی را نیز به خطر می‌اندازد، زیرا اصطکاک‌ها و تضاد منافی که در عرصه بین‌الملل بین کشورهای اسلامی و غیراسلامی گاهی اجتناب‌ناپذیر می‌شود نگرانی از اعمال فشار و تحریم اقتصادی را تقویت می‌کند و حتی احتمال رفتارهای غیراخلاقی و غیرانسانی دیگر از قبیل دستکاری در مواد غذایی و استفاده از آن به عنوان سلاح جنگی هیچ وقت کاملاً منتفی نمی‌شود. این موضوع نیز همگرایی جهان اسلام برای تجارت بین‌الاسلامی مواد غذایی را ایجاب می‌کند. بنابراین، دلایل کافی وجود دارد که پیش‌شرط امنیت غذایی در هر دو جنبه فقهی و اقتصادی آن همگرایی کشورهای اسلامی در بین‌الاسلامی ساختن تجارت مواد غذایی است.

بین‌الاسلامی شدن تجارت مواد غذایی به دلیل بالا بودن میزان آن، منافع اقتصادی قابل توجهی را نصیب کشورهای اسلامی می‌سازد و متغیرهای کلان اقتصادی در این کشورها را بهبود می‌بخشد. بهتر شدن امنیت غذایی، افزایش

ارزش افزوده، افزایش اشتغال، افزایش درآمد ملی و سرانجام افزایش رفاه در کشورهای اسلامی از جمله آثار قابل تحصیل تجارت بین‌المللی اسلامی مواد غذایی است. مشاهده آثار مثبت همکاری در گسترش تجارت مواد غذایی، زمینه را برای توسعه همکاری در دیگر بخش‌های اقتصادی نیز فراهم می‌کند و امکان توسعه این الگو هم‌چنان وجود دارد تا به یک همگرایی همه‌جانبه اسلامی منتهی شود. تجارت مواد غذایی حلال تنها عامل همگرایی نیست، اما از عوامل مهم آن به شمار می‌رود که می‌تواند نقش موتور محرکه را ایفا نموده و همگرایی را به حرکت درآورده و در طول مسیر همراهی کند.

بنابراین، تجارت مواد غذایی حلال از دو جهت با همگرایی در جهان اسلام ارتباط پیدا می‌کند: یکی همگرایی به عنوان پیش‌شرط آن و دیگری همگرایی به عنوان پیامد آن. در واقع یک رابطه دو سویه بین تجارت مواد غذایی حلال و همگرایی در جهان اسلام برقرار است. از یک سو همگرایی باعث گسترش تجارت بین‌المللی اسلامی مواد غذایی می‌شود و از سوی دیگر، گسترش این نوع تجارت به همگرایی بیشتر منجر می‌گردد. این، همان چیزی است که می‌توان آن را «همگرایی برای تجارت مواد غذایی حلال و تجارت مواد غذایی حلال برای همگرایی بیشتر» عنوان داد. در نتیجه، برای این‌که جهان اسلام به همگرایی بیشتر نایل شود، تجارت بین‌المللی اسلامی مواد غذایی نه تنها اولویت دارد بلکه یک ضرورت است.



منابع

- قرآن کریم
- اتاق تجارت، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۷) ویژه‌نامه حلال، شماره یک، ویژه مرداد.
- اخوي، احمد، (۱۳۸۸)، اقتصاد کلان علمي - کابردی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ هفتم.
- اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائده و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، محقق: آقامجتبی عراقی و علی پناه اشتهاړدی و آقاحسین یزدي اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- الإمام الحافظ أبو عبد الله الحاكم النيسابوري، (۱۴۲۲ ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الثانية.
- الامام الحافظ عبد الغني بن عبد الواحد المقدسي تقي الدين أبو محمد، (۱۴۰۸ ق)، عمدة الأحكام من كلام خير الأنام، المحقق: محمود الأرنؤوط، مصر: دار الثقافة العربية، الطبعة الثانية.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- رجا، علی اصغر، (۱۳۹۰)، معیارهای تعریف جهان اسلام، مجله معرفت، سال بیستم، شماره ۱۷۰، ص ۳۱-۴۳.
- سالم و مجاوریان، جلال و مجتبی، (۱۳۹۴)، بررسی اثر رشد ظرفیت واردات مواد غذایی بر امنیت غذایی خانوارهای شهری در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، سال بیست و سوم، شماره ۹۲، زمستان، ص ۱-۲۰.
- شریف مطوف، (۱۳۶۴)، آیا راه حلی برای مشکل مواد غذایی در کشورهای عربی پیدا شده است؟، گزیده مسائل اقتصادی-اجتماعی اردیبهشت، شماره ۳۸.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق.)، وسائل الشیعة، محقق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان في تفسير القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۰ ق)، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، محقق: محمد تقي مروارید- علی اصغر مروارید، بیروت: دار التراث-الدار الإسلامية، چاپ اول
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر، چاپ ۳۸.

- غروي نائيني، ميرزا محمد حسين، (١٤١٣ق)، المكاسب و البيع، مقرر: أملي، ميرزا محمد تقى، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.
- فلاحزاده، محمد حسين، (١٣٩٢)، درسنامه فقه، قم: مركز نشر هاجر، چاپ دوم، ج ٢.
- قوام، عبدالعلي، (١٣٧٠)، اصول سياست خارجي و سياست بين الملل، تهران: سمت.
- كليني، محمد بن يعقوب، (م ٣٢٩ق)، الكافي، محقق: غفاري علي اكبر و آخوندي، محمد، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
- مركز الابحاث الاحصائية والاقتصادية والاجتماعية والتدريب للدول الاسلامية، (٢٠١٦م)، الزراعة والامن الغذائي في الدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي، مركز انقوره.
- مركز الأبحاث الاحصائية والاقتصادية والاجتماعية والتدريب للدول الاسلامية و اللجنة الدائمة للتعاون الاقتصادي والتجاري لمنظمة المؤتمر الاسلامي، (بي تا)، نحو تعزيز التعاون الاقتصادي والتجاري بين البلدان الاعضاء في منظمة المؤتمر الاسلامي.
- مركز الأبحاث الاحصائية والاقتصادية والاجتماعية والتدريب للدول الاسلامية، (٢٠٠٥م)، السوق الاسلامية المشتركة: التكامل التدريجي والنتائج المتوقعة، مجلة التعاون الاقتصادي بين الدول الاسلامية.
- المركز الاسلامي لتنمية التجارة، (٢٠١٥-٢٠١٦) التقرير السنوي حول التجارة البينية للدول الاعضاء في منظمة التعاون الاسلامي،
- معين، محمد (١٣٨٦)، فرهنگ معين، تهران: زرین، چاپ سوم.
- موسوي خميني، سيد روح الله (١٣٧٨)، استفتانات از محضر مرجع تقليد جهان تشيع زعيم حوزه هاي علميه حضرت آية الله العظمي امام خميني (قدس سره)، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم.
- موسوي خميني، سيد روح الله، (بي تا)، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
- موسوي خميني، سيد روح الله، (١٤٢١ق)، كتاب الطهارة، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، چاپ اول.
- موسوي خويي، سيد ابو القاسم، (١٤١٨ق)، موسوعة الإمام الخوئي، مقرر: جمعي از بزرگان و اساتيد، محقق: پژوهشگران مؤسسه إحياء آثار آية الله العظمي خويي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي (ره)، چاپ اول.
- موسوي قزويني، سيد علي، (١٤٢٤ق)، ينابيع الأحكام في معرفة الحلال والحرام، محقق: سيد علي علوي قزويني و سيد عبد الرحيم جزمي قزويني، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول.



- مهرآفرین، (۱۳۷۵)، تولید فراورده‌های غذایی حلال صنعتی رو به گسترش و تجارت رو به توسعه، نامه اتاق بازرگانی، نشریه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، شماره ۳۳۹، ص ۴۵-۴۶.
- نجفی، محمد حسن، (م ۱۲۶۶ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.
- نواختی مقدم و انوریان اصل، امین و حامد، (۱۳۹۰)، چالش همگرایی در میان کشورهای اسلامی (مطالعه موردی سازمان کنفرانس اسلامی)، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی (علوم اجتماعی)، سال ۱۴، شماره‌های ۳۴-۳۵، پائیز و زمستان، ص ۱۹۳-۲۲۷.
- وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۷۶)، غذا و تجارت بین الملل، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه اجلاس جهانی غذا، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، سال پنجم، زمستان، ص ۲۸۹-۳۴۲.
- ولید خالد الربیع، (۱۴۲۸ ق)، احکام الاطعمه فی الفقه الاسلامی (دراسة مقارنة)، اردن: دار النفائس، چاپ اول.
- Dictionary of Economics, (2006), A & C Black Publishers Ltd, Reprinted.
- Food and Agriculture Organization of the United Nations, FAO STATISTICAL YEAR-BOOK 2013 World Food and Agriculture, Rome, 2013.
- Food and Agriculture Organization of the United Nations, FAO Statistical Pocketbook, World Food and Agriculture, 2015.
- Organization of Islamic Cooperation (OIC), The Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRTCIC), Agriculture and Food Security in OIC member countries, 2016.
- 38. Puchala Donald J. (1972), Blind Men, Elephants and International Integration, Journal of Common Market Studies, No.3, (March 1972).
- Romer, David, (2006), Advanced Macroeconomics, Third Edition, The McGraw-Hill Companies.
- Simon Maxwell and Timothy R. Frankenberger, Household Food Security: Concepts, Indicators, and Measurements, United Nations Children's Fund – International Fund for Agricultural Development, 1992.
- Statistical, Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRTCIC), Statistical Yearbook of the OIC countries, 2006.
- Statistical, Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries

(SESRIC), Statistical Yearbook, 2007.

- Statistical, Economic and Social Research and Training Center for Islamic Countries (SESRIC), Statistical Yearbook 2009 OIC member countries, 2009.
- <http://www.iqna.ir/fa/>
- <http://www.leader.ir/fa/content/18667>
- <http://portal.anhar.ir/node/4388#gsc.tab=0>
- <http://alfayadh.org/fa/#estefta?cat=15>
- <https://www.sistani.org/persian/book/53/232/>
- <http://wahidkhorasani.com>
- <http://fararu.com/fa/news/187506/>
- <http://www.fao.org/economic/ess/ess-fs/en/>
- <http://icdt-oic.org/>
- <https://ganj.irandoc.ac.ir/>
- <https://www.oic-oci.org/>
- <http://ensani.ir/>



Halal Food Trade and Convergence in the Islamic World¹

Nasrallah Ansari²

Abstract

Muslim access to Halal food is an inevitable cultural and economic necessity. Given the fact that today's international trade is part of food security, the food security of Muslims depends on the international Islamic food trade. This type of business has a pre and post relationships with the convergence of the Islamic world. On the one hand, the necessity of food trade between the Islamic countries requires convergence. On the other hand, the expansion of this type of business as a model leads to a greater convergence of Muslims in other economic and non-economic fields. The importance of halal foods to Muslims is such that it can be regarded as part of their cultural identity and the focus of convergence.

Keywords: food, international trade, convergence, the Islamic world.



پروش نامعلوم اسلامی شماره: شمارہ ہجری ۱۴۳۹

1. Presented at the 20th Sheikh Tusi International Festival; Date received: 2017/04/24 & Date accepted: 2017/05/24

2. Ph.D. Student in Economics, Al-Mustafa University